



تشریح

نشریه گفتمان انقلاب اسلامی | سیح دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)  
سال یازدهم | شماره ۲۶۹ | ۱ مرداد ماه ۱۴۰۲ | شب ششم محرم ۱۴۴۵

- ۱ • پیوند به این خیل آسمانی
- ۲ • حکومت قرآن
- ۲ • خانه عنکبوت
- ۴ • خلاصه سخنرانی شب پنجم محرم الحرام



## پیوند به این خیل آسمانی

علیرضا سعادت

منقول است که بویزید بسطامی محضر امام صادق (ع) بود، حضرت علیه السلام به وی فرمودند: از طاقچه کتاب را بده. بویزید عرض کرد: یا ابن رسول الله! طاقچه کجاست؟ حضرت فرمودند: بالای سرت؛ تو چندین سال است که در خانه ما می باشی، تابحال طاقچه اطاق را ندیده ای؟ بویزید عرض کرد: جذب و نورانیتان مرا از همه چیز غافل کرده است. ماجرای بویزید، ماجرای نوع انسان است. در حضور مقام والای امام، که آنچه برای آدمی دغدغه است، از لذائذ و مقامات و زینت‌ها فراموش شده، و در یک سلوک خاص روحانی انسان به نقطه‌ای فراتر متصل می شود.

هیأت مصداق آن مقام حضور است که انسان محاط در آن روح والا می شود. در این مقام عجب و خودبینی معنایی ندارد و هرآنچه هست، ذره است از آن وجود مقدس.

آنجا ارزش‌ها در اتصال به مقام والا سنجید می شود. استکان و کتیبه و چوب منبر به واسطه ارتباط، اعتبار می گیرند و قداست می یابند. وزیر و وکیل یا عامی بودن اما معنا ندارد. هر چه منزلت است، یکپارچه از اوست.

فضائل جناب‌شان که ذکر می شود، توجهات شیء و انسان سوی آن ناحیه است. **ادامه در صفحه ۳**

# هایپر هیأت!

در تعامل هیأت‌های کوچک و بزرگ

قاعدتا در هیأت مرکزی بزرگ، کار تشکیلاتی را بیشتر و بهتر می توان آموزش داد، حتی می توان ظرفیت را بالا برد به حدی که هزاران نفر را درگیر نمود اما آنچه مهم است اینکه اولاً همه این جوانان محلات که می توانستند در محله های خود کار تشکیلاتی بکنند در این هیأت جا نمی شوند و ثانیاً کار هیأت بزرگ، مخاطب محور نیست. قبل از اینکه شما بی رسید خود می پرسیم که تعبیر از مخاطب محوری چیست؟ هیأت بزرگ، از هر قومی، از هر ملتی، از هر فرهنگی؛ مخاطب دارد و نیاز دارد تا بر اساس مشترکات این مخاطبین، مخاطب محوری کند نه اینکه برای هر قومی، برای هر ملتی، برای هر فرهنگی؛ از مخاطبان برنامه متناسب داشته باشد. دقیقاً آنچه که در هیأت محلی بود و الان نیز کمتر هست... مشاهده کردید که هیأت محلی در هر محله فراخور با شرایط و محیط آن محله پدید آمده، با فرهنگ آن محله و با قومیت آن محله هم‌آهنگ بوده و... این مخاطب محوری موجب تربیت و فرهنگ سازی می شود... اساساً دین اسلام دین همچنین مخاطب محوری است و بر این نیز موبدات قرآنی وجود دارد که یکی از آنان در سوره مبارکه توبه آیه ۱۲۲ می باشد. بنابر تفسیر استاد قرآنی، هم اولویت زادگاه در کار فرهنگی و تبلیغی را می رساند و هم به ضرورت مراجعه به مردم برای کار فرهنگی

ادامه در صفحه ۳

اول) به مساجد محله ها سر می‌زنیم... خالی است از جوان و به تعبیری شده است خانه سالمندان... شور جوانی گم شده است در میان تار و پود پرنرنگ و لعاب فرش و رنگ و

سنگهای مساجد... مزاج فرهنگ ما هم تغییر کرده است. از فرهنگ محلی و دوره‌های محله‌ای و هیأت خانگی و تزئینات کوچهای مناسبی رسیده‌ایم به هیأت متمرکز و فلان سخنران مشهور و بهمان مداح خوش الحال... قصدم این نیست اصلاً بگویم این هیأت متمرکز بد است و نابه جا که بعضاً بسیار خوب است و به جا؛ به شرطی که هیأت محلی و خانگی را از جوانی که باید در آن هیأت بزرگ شود، کار هیأتی یاد بگیرد. رفیق هیأتی پاکار پیدا کند، سلیقه خود را بخرج دهد و مطابق ذوقش و متناسب محله اش برای هدف (که یا مجلس عزای حضرات معصومین علیهم السلام است یا مجالس شادی و سوره)، تلاش کند و به مراتب یاد بگیرد چگونه کار فرهنگی تمیز انجام دهد... اصلاً برویم بالاتر، یاد بگیرد چگونه کار تشکیلاتی اثربخش بکند خالی نکند از جوانی که باید در آن هیأت بزرگ شود، خالی نکند.

سرمقاله



امیرحسین اطهر



## حکومت قرآن

امام خمینی ره: «ما می‌خواهیم قرآن حکومت کند بر ما. ما می‌خواهیم قوانین اسلام بر ما حکومت کند. ما هیچ حکومتی را جز حکومت الله نمی‌توانیم بپذیریم. و هیچ رأیی را که برخلاف رأی اسلام باشد و رأی شخصی باشد، رأی گروهی باشد، رأی حزبی باشد، ما نمی‌توانیم بپذیریم. ما آن را می‌توانیم بپذیریم که قانون اسلام حکمفرمایی کند. ما تابع اسلام هستیم؛ ما تابع قانون اسلام هستیم. و جوان‌های ما خون‌شان را برای اسلام داه‌اند. جوان‌های ما آنقدر جدیت کردند، می‌گفتند ما اسلام را می‌خواهیم، ما احکام اسلام را می‌خواهیم.»

صحیفه امام ره، ج ۸، ص ۲۸۳

## خانه عنکبوت

علی اختیاری

امیررضا محمدی

جبهه خونخوار، مسلمانان قرار دارند؛ مسلمانانی که به گفته حضرت امام خمینی (ره) اگر هر کدام از آن‌ها یک سطل آب بردارند اسرائیل را آب خواهد برد. اما آیا این اتحاد و همدلی که میان مسلمانان وجود دارد تا حدی است که صهیونیست‌ها را نسبت به آن نگران کند؟ در سال‌های اخیر شاهد فعالیت‌های بزرگی در این راستا بوده‌ایم. پیاده روی اربعین شاهد عینی آن است که مسلمانان زیادی از سراسر جهان گرد هم می‌آیند تا عرض ارادت نسبت به امام مظلوم خود کنند و در این بین آرمان مظلوم خواهی آنان در قضیه فلسطین سران صهیونیست را نگران می‌کند.

در این بین رژیم صهیونیستی که به دنبال تضعیف دشمنان خود می‌باشد با طرح‌های عادی سازی و تطبیع با کشورهای منطقه سعی در کاستن دشمنی‌ها با خود را دارد و کشورهای مسلمان و عربی منطقه در همسایگی این رژیم گزینه مناسبی برای این عادی سازی است. رژیم صهیونیستی در منطقه اگر بخواهد تنها قدرت منطقه شود و اهداف آمریکا در منطقه را برآورده سازد یا باید با کشورهای مخالف خود بچنگد که در اینصورت ناچار هزینه زیادی باید بپردازد زیرا تعداد این کشورها زیاد است و یا باید با گزینه دوستی و عادی سازی وارد رابطه با آنان شود که طبعاً این راه را انتخاب کرده است. حتی در این بین برخی کشورهای حیانتکار عربی تن به این دلت بزرگ داده و خون هزاران فلسطینی را پایمال می‌کنند و با عادی سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی سعی در رسیدن به سود بیشتر برای خود دارند. امری که حتی خوشایند مردم خود این سرزمین‌ها نیز نیست و در تجمعات مختلف جهانی نظیر جام جهانی فوتبال شاهد انزجار مردم مسلمان جهان علیه صهیونیست‌های غاصب بوده‌ایم. حال در این بین وظیفه ما به عنوان یک فرد شیعه مسلمان این است که با همراه کردن مردم مسلمان سراسر جهان خیزشی علیه دولت صهیونیستی و اربابانش انجام دهیم تا بتوانیم با اتحاد کامل بار دیگری لشکر بزرگی را علیه این رژیم آماده کنیم.

رژیم صهیونیستی از همان ابتدای تأسیس خود، برای فرار از ظلم‌هایی که علیه‌شان شده بود و در رویای رسیدن به یک دولت، مجموعه‌ای از اضعاد را دور هم جمع کرد. جامعه‌ای که به گفته موسسان این رژیم جامعه دینی یهودی بوده است، اما طیف گسترده‌ای از این جامعه، از دین فقط نامی از آن را با خود به دوش می‌کشیدند تا در جایی ساکن شوند. جمعیتی که حتی برخی از آن‌ها تا سال‌ها بعد از تأسیس این رژیم نیز حاضر به زندگی در سرزمین فلسطین نبودند اما با شیوه‌های اقلانگی و زور مجبور شدند تا به این سرزمین مهاجرت نمایند و یکی از هزاران غاصب این سرزمین شوند. همین ترکیب متضاد سال‌ها با صهیونیست‌ها همراه شد تا بالاخره توانستند در ۱۹۴۸ آن اتفاق نکبت بار را رقم زده و دولتی غصبی برای خود تأسیس کنند، اما این که صهیونیست‌ها فقط توانستند در جایی ساکن شوند و دولتی برای خود برپا کنند پایان کار نبود بلکه تازه آغاز مشکلات آن‌ها بوده است.

ترکیب جمعیتی سکولارها و مذهبی‌ها در جامعه صهیونیستی از قدیمی‌ترین و بزرگترین شکاف‌های اجتماعی در این جامعه بوده است و همواره از سال تأسیس تا به امروز شاهد درگیری‌های بسیار بین این دو طیف بوده‌ایم. گاهی دولت و کابینه دست سکولارها افتاده و ترازوی درگیری‌ها به سمت مذهبی‌ها سنگینی می‌کرد و گاهی برعکس مذهبی‌ها افراد بیشتری در کابینه داشتند و می‌توانستند اهداف خود را به کرسی بنشانند. به این شکاف‌ها، شکاف‌های میان یهودی‌ها و ساکنین سایر ادیان را نیز باید اضافه کرد، مانند اتفاقاتی که هر روز در مسجد الاقصی و کلیساها مسیحیان شاهد آن هستیم. صهیونیست‌هایی که تحمل دیدن سایر ادیان در اماکن آسمانی که متعلق به تمامی ادیان است را ندارند هر روز به دنبال غضب آن و بی حرمتی به آن هستند. اگر به این شکاف‌ها، شکاف‌های اقتصادی و سیاسی را نیز اضافه کنیم می‌بینیم که رژیم صهیونیستی حتی در داخل خود نیز آن اتحاد و همدلی را ندارد، چه برسد به متحدان خارجی اش. در مقابل این

قرآن کتاب مقدس الهی است که بفرموده نبی اکرم ص سعادت دنیوی و اخروی بشر را دارد. این کتاب در طول نسل‌ها حفظ شده و بدون اینکه یک کلمه‌ای به آن اضافه یا حذف شود، به دست ما رسیده است. ارزش این کتاب بر هیچ کسی و قومی پوشیده نیست و علاوه بر اینکه در نزد مسلمانان دارای جایگاه ویژه و احترام بالایی است، در نزد سایر ملت‌ها و اقوام نیز بخاطر ارزش علمی آن، محترم قرار گرفته است و به همین علت این کتاب به زبان‌های گوناگونی ترجمه شده است. امروزه شاهد بی‌احترامی به این کتاب مقدس در سایر نقاط عالم هستیم که از حمایت دولت‌ها نیز برخوردار است. در مقابله با این کنش دشمن، نمی‌توان به محکومیت و احضار سفیر آن کشور بسنده کرد! دشمن نتیجه و فایده می‌کند و اگر هزینه کاری که انجام می‌دهد در مقابل سود آن کمتر باشد، پا را فراتر گذاشته و این عمل را عادی‌سازی می‌کند.

همیشه در بزنگاه‌ها و نقاط حساس، رهنمودهای رهبری تکمله ماجرا بوده و حجت را تمام کرده است. شاید این کوتاهی مسئولین بوده است که رهبری در هر موضوعی بخواهد ورود کند و راه درست را نشان دهد. اما خلاصه مطلبی که رهبری دیروز فرمودند این بود که امثال این توطئه و عاملان آن، حقیرتر از آنند که بتوانند جلوگیری این درخشش روزافزون باشند. عبارتی چراغی را که ایزد بفرورد گرا بله پف کند ریشش بسوزد.

یک زمانی سلمان رشدی به ساخت مقدس مسلمانان توهین کرد و رهبر مسلمین جهان آن را محکوم و دستور به مجازاتش داد که انجام شد. و این بار لا هتک رمت به ساخت مقدس قرآن کریم و دستور امام خامنه‌ای برای اشد مجازات عامل آن. حکم همان است؛ اشد مجازات برای آن. خط قرمز مسلمانان جهان قرآن است ...

تشت رسوایی آنجایی است که این کار برخلاف قوانین آن کشورها بوده است؛ فردی که نژاد، رنگ، قومیت، اعتقاد مذهبی یا گرایش جنسی گروهی از افراد را تحقیر کند، مجرم شناخته می‌شود. شخصی که به هر نحوی مرتکب جرم فاحش از جمله ایجاد تحریک شدید نسبت به گروهی از مردم شود، به شش ماه تا چهار سال حبس محکوم می‌شود. «قانون کیفری سوئد، صفحه ۱۴۸»

**ادامه سرمقاله:**

(نه ایستادن و انتظار مراجعه مردم به فرد ایستاده) را می‌رساند. پس ای مسئول فلان هاپیر هیأت، حواست باشد نکند باعث شوی فلان محله خالی از هیأت شود چون جوانانی که باید الان هیأت دار باشند در هیأت تو سینه می‌زنند و گریه می‌کنند... ای مسئولین هیأت بزرگ، حواستان باشد برای این برنامه داشته باشد... اما چه برنامه‌ای؟؟ قطعاً نگارنده نباید و نمی‌تواند در این عریضه برنامه لازم را جمع‌بندی کند.

دوم) ظهور کرونا و بروز دو چیز:

کرونا که آمد مراسمات تعطیل شد... مراسمات بزرگ و مرکزی که اصلاً بر پا نبود... در این میان جوانانی که قبلاً در هیأت بزرگ کار تشکیلاتی کرده بودند به محله‌ها رفته و کار می‌کردند... مساجد پایگاه بود... قسمتی به پیشگیری و ضدعفونی کردن معابر اختصاص داشت و در گوشه‌ای دیگر ماسک تولید می‌شد و در نقطه‌ای هم به نحوه برگزاری مراسمات در محیط باز اختصاص داشت... کرونا نشان داد می‌توان ظرفیت‌های محلی را نه فقط در هیأت که در کارهای خوبی که نیاز محله، منطقه، شهر تا کشور است مدیریت و راهبری نمود... گفتمان مواسات را یادتان هست؟؟ اما این ظرفیت بعد کرونا چه شد؟؟ مسجد محوری محله‌ای جای خود را داد دوباره به تمرکز گرای... جای خود را داد به بزرگ‌گرایی... خوب عیبی هم نداشت و ندارد... اما بازهم مساجد خالی شد... همه که نه!! برخی دوستان مانده بودند در مساجد و هنوز مشغول به کار اما جریان دوباره خلاف جهت اصلی شده بود... بگذریم... کرونا علاوه بر این یک آسیبی به هیأت محلی نیز زد... کرونا یاد داد می‌شود در خانه ماند و از رسانه مجازی، هر مداح دلخواهی را، هر شعر دوست داشتنی تری را، هر سخنرانی دلچسب تری را گوش داد... این

**ادامه از صفحه ۱:**

کسی بدنبال فضل و زیادت در خویش نیست. و مصیبت‌شان که خوانده می‌شود، درد و رنج از یاد می‌رود. محنتی در مقابل آن به چشم نمی‌آید. آدمی مستغرق در مجلس‌شان است، نه کسی هرم گرم را حس می‌کند و نه درد کوفتن به سینه.

متوجه گرمی و درد نبودن البته از بی‌سرپایی نیست، ماحصل ادراکات فراتر است. آدمی در اتصال به امام توسعه پیدا می‌کند. انسان مادی خودش را می‌بیند، صرفاً خودش را. لذت و آسایش و منفعت را فقط برای خود طلب می‌کند. این آدم تا آنجا که نیازش رفع شود دوستی می‌کند. دیگران را وسیله می‌خواهد برای خودش. اما در این سلوک روحانی فردیت بی‌معنا می‌شود. وقتی نقطه توجه جماعتی مشترک باشد و آن نقطه توجه اصل باشد، اصیل باشد، خودش باشد نه از مرادهای بنجل و قلابی، آن‌جا مشابَهت حاصل می‌شود.

یاران سیدالشهدا ادب و اخلاق و نزاکت و مروّت را از امام فرا گرفته بودند. و حسنات وجه شباهت آنها بود به یک‌دیگر.

شباهت موجب قرابت می‌شود. قرابتی که نه طبقه اقتصادی مانع آن می‌شود، نه شکل و گویش متفاوت.

به قول آوینی آخر جایی که همدلی است، چه حاجتی به هم‌زبانی؟ مگر نه اینکه از حسین می‌گویند؟

**او راست قامت است و همه خلق مایلش  
سوی کدام بنده کند میل تا دلش**

خوب است اما آن حرکت در آن نیست... آن حرکتی که به سمت روضه و عزاداری و به تعبیر آیت... بهجت، حرکت به سمت کربلا در آن نیست... این آسیب نه در شهرها که در روستاها بیشتر خودش را و در میان جوانان روستایی بیشتر خودش را و نه حالا که بعدها نشان خواهد داد... نشان خواهد داد که مثلاً در فلان منطقه دیگر هیأتی نیست... مردم در خانه‌ها عزاداری می‌کنند... اما نه اینکه سخنران و مداحی را به خانه ببرند و همسایه‌ها بیایند نه... در خانه با رسانه، با صدای دوست داشتنی ترشان و با شعری که بیشتر می‌پسندند و حتی شاید با همان لباس‌های خانگی و حالتی استراحت‌گونه تر... این نیز آسیبی است که کرونا زده و این را یاد ما داده... که اینطور هم می‌شود... اما آنچه این تخیل نویسنده را به وقوع نزدیک تر می‌کند این است که ما برنامه‌ای بخصوص در هاپیر هیأت برای این نداشته باشیم...

سوم) بیشتر و بیشتر:

بازهم تاکید می‌کنم که نمی‌خواهم و نباید هم، هیأت بزرگ را تقبیح نمود... حقا و انصافاً کار عظیمی است... اما کاش برای محله‌ها هم برنامه میریختیم... کاش می‌دیدیم که اگر هیأت بزرگی در نزدیکی محله‌هایی زده می‌شود تا شعاع چند متر دیگر هیأتی نیست... تا شعاع چند متر بیشتر، دیگر جوانانی به هیأت محلی نمی‌روند... با پدرشان نمی‌روند و اصلاً شاید اصرار کنند و پدرشان را راضی که او هم دیگر به آن هیأت نرود و باهم به هیأت بزرگ تر بروند...

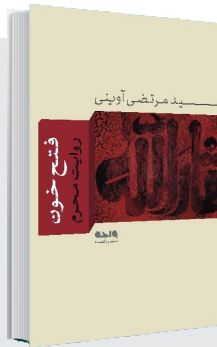
سؤال این است: حال چه کنیم؟ چطور از این آسیب جلوگیری کنیم یا کمترش کنیم؟؟؟

پاسخی نمی‌دهم... اما مهم‌تر از پاسخ به این سؤال را، درک درست آنچه نوشته‌ام می‌دانم... درست آسیب را بشناسیم، بفهمیم، درک کنیم و نهایتاً پاسخ



در زیر خیمه‌اش همه یک نمازخانه‌ایم

● برشی از کتاب "فتح خون"  
نوشته شهید سید مرتضی آوینی



آماده باشید که وقت رفتن است. عقل می‌گوید بمان و عشق می‌گوید برو... و این هر دو، عقل و عشق را، خداوند آفریده است تا وجود انسان در حیرت میان عقل و عشق معنا شود.

در روز هشتم ذی‌الحجه، یوم‌التوبه، امام حسین علیه‌السلام، آگاه شد که عمرو بن سعید بن عاص با سپاهی آنبوه به مکه وارد شده است تا او را مخفیانه دستگیر کنند و به شام برند و اگر نه... حرمت حرم امن را با خون او بشکنند.

آنان که رو به سوی قبله‌ی خویش نماز می‌گزارند، معنای حرمت حرم امن را چه می‌دانند؟ کعبه‌ی آنان که در مکه نیست تا حرمت حرم مکه را پاس دارند؛ کعبه‌ی آنان قصر سبزی است در دمشق که چشم را خیره می‌کند. آن‌جا بهشتی است که در زمین ساخته‌اند تا آنان را از بهشت آسمانی کفایت کنند... و از آن‌جا شیطان بر قلمرو گناه حکم می‌راند، برگم‌گشتگان بیهوش وهم، بر خیال‌پرستانی که در جوار بهشت لایتنهای رضوان حق، سر به آخور غریب حیوانی و دل به مرغ‌زارهای سبزمنای حیات دنیا خوش داشته‌اند، حال آنکه این‌همه، سرابی است که از انعکاس نور در کویر مرده‌ی دل‌های قاسیه پیدا آمده است.

کعبه قبله‌ی احرار است، رستگان از بندگی غیر؛ اما اینان بت خویشتن را می‌پرستند. امام برای اعمال حج احرام بسته است و لکن اینان احرام بسته‌اند تا شمشیرهای آخته‌ی خویش را از چشم‌ها پنهان دارند... شکستن حرمت حرم خدا برای آنان که کعبه را نمی‌شناسند چندان عظیم نمی‌نماید و اگر با آنان بگویی که امام حسین علیه‌السلام برای پرهیز از این فاجعه مکه را ترک گفته است در شگفت خواهند آمد... اما آن که می‌داند حرم خدا نقطه‌ی پیوند زمین و آسمان است، درمی‌یابد که شکستن حرمت حرم آن‌همه عظیم است که چیزی را با آن قیاس نمی‌توان کرد.



## خلاصه سخنرانی شب پنجم محرم هیئت میثاق با شهدا

که زمان خود را بشناسد، آماج اشتباهات قرار نمی‌گیرد. [تحف العقول: ۳۵۶] متحجین اجازه نمی‌دهند با ادبیات نو دین تبلیغ شود. گروه دیگری که مانع انتقال معارف دینی هستند، واداه‌ها هستند. مثلاً حرفی از آزادی طرف دیگر بزند خودشان را وا می‌دهند.

علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان می‌فرماید اسلام حریتی به بشر داده است که قابل قیاس با حریت تمدن عصر حاضر نیست و آن آزادی از هر قید و بند و از هر عبودیتی به جز عبودیت خدای سبحان است. اگر به خوبی در سیره دین و تمدن عصر حاضر دقت و تعمق شود می‌توان درک کرد که آیا اسلام بشر را آزاد کرده؟ یا تمدن غرب بشر را اسیر هوا و هوس و جاه طلبی نموده است.

اولین گام برای رهایی و آزادی ایمان به خداست. ایمان به خدا با توکل انسان را آزاد می‌کند. امام علی علیه‌السلام: **الثَّقَّةُ بِاللَّهِ حِصْنٌ لَا يَتَخَصَّنُ فِيهِ إِلَّا الْمُؤْمِنُ أَمِينٌ.** [بحار الأنوار: ۵۶/۷۹/۷۸] یک شاخص ایمان توکل است. عنه علیه‌السلام: **لَيْسَ لِمُتَوَكِّلٍ غَنَاءٌ.** برای کسی که توکل کننده است، سختی نیست. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید هر چیزی حد و تعریفی دارد و تعریف توکل این است که یعنی از چیزی جز خدا ترسی. برای رهایی و آزادی باید با وسوسه‌های درونی و ظالمان بیرونی جنگید.

ما در مسیر تبیین دین دو مشکل اساسی داریم. دو گروه هستند که اجازه نمی‌دهند فضا به آرامش برسد و به سهولت بتوان معارف دینی را منتقل و گفت و گو کرد. یک گروهی که متفکرانه با قرآن و روایات برخورد نمی‌کنند، ظاهر کلمات را می‌بینند و اهل تحلیل و ارتباط معانی نیستند. این جور افراد که ممکن است متحجر نامیده بشوند واقعا برای انتقال معارف دینی مانع هستند. الإمام علی علیه‌السلام: **عَلَيْكُمْ بِالذَّرَائِبِ لَا بِالرَّوَايَاتِ.** اهتمام کم خردان نقل کردن [حدیث] است، و اهتمام دانایان فهمیدن آن. [کنز الفوائد: ۲/۳۱] این به این معنا نیست که دین را به شکل زمانه تغییر دهیم. دین نیاز همه‌ی زمان‌ها و اقوام را برآورده می‌کند. اگر گفته می‌شود مسائل متناسب با افراد مطرح شود باز هم با اهتمام به قرآن و روایات است منتها به زبان و حال و هوایی که او درک می‌کند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: **لَوْ عَلِمَ النَّاسُ أَنَّ اللَّهَ غَرٌّ وَ جَلَّ خَلَقَ هَذَا الْخَلْقَ عَلَى هَذَا لَمْ يَلْمُ أَحَدٌ أَحَدًا.** اگر مردم می‌دانستند که خدای عز و جل این مخلوق را بر این وضع آفریده هیچ کس دیگری را سرزنش نمی‌کرد. [الکافی، ج ۲، ص ۴۴] تفاوت پذیری بین آدم‌ها و زمانها مسئله‌ای است که معصومین هم به آن اشاره کردند. الإمام الصادق علیه‌السلام: **العالمُ بِزَمَانِهِ، لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَأْيُ.** کسی

"عموی من حسین است"

● **رادیو میثاق** ویژه شب ششم محرم الحرام  
اسکن کنید



Radio misaq

### رجز انصار حسین علیه‌السلام

ابوالشعثاء کندی از یاران امام حسین (علیه‌السلام) و از شهیدان کربلا است پروردگارا من همانا یاریگر حسین صلوات الله علیه هستم

